



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 205-227)
DOI: PTT-1706-1180 (R1)

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۰۵-۲۲۷)

A Critique of Commentaries Put Forward in Al-Tafhim Al-Quran Commentary about the Verses Related to the Virtues of Holy Prophet's Household (Peace Be Upon Them) Based on Shia and Sunni Commentators' View

Abdullah Mirahmadi¹

Zahra Modarresirad²

(Received: 10/05/2017; Accepted: 26/07/2017)

Abstract

Abul A'la Maududi is one of the most prominent and influential contemporary commentators in Indian Subcontinent. He is a reformist and combatant thinker whose most important work, "Tafhim Al-Quran (Understanding the Quran)", is considered a social-modern exegesis translated into different languages. The position of the exegesis and proximity-oriented thought of its author multiplies the importance of studying his exegetic views, particularly those about the verses related to the virtues of Holy Prophet's household (peace be upon them). Using content analysis method, the present paper reviews these views and their differences with that of other Shia and Sunni commentators. The findings show Maududi has different approaches to these verses due to his religious biases, despite his proximity-oriented thought. His most important exegetic methods to treat and pass the verses related to the virtues of Holy Prophet's household are maintaining silence about some famous ones accepted by Shia and Sunni commentators, providing exegeses contrary to popular ones, and ostensive justification of some other verses. Although he criticizes and rejects some dogmatic Salafi views, he follows the Salafi way in treating the verses related to the virtues of Holy Prophet's household.

Key words: Maududi, Tafhim Al-Quran Commentary, verses related to the virtues of Holy Prophet's household, criticism of Maududi's views.

¹ Corresponding author, assistant professor of department of sciences of the Holy Quran and Hadith, Kharazmi University, mirahmadi_a@khu.ac.ir

² Level four student of Rafi'ah Al-Mustafa Seminary, Tehran, modaresi114@gmail.com



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 207-227)
DOI: PTT-1706-1180 (R1)

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۲۰۷-۲۲۷)

نقد تفسیر تفهیم القرآن درباره آیات فضائل اهل بیت (ع) بر اساس دیدگاه مفسران فریقین

عبدالله میراحمدی^۱

زهرا مدرسی راد^۲

(تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۶)

چکیده

ابوالاعلی مودودی از برجسته‌ترین مفسران معاصر و تأثیرگذار شبه قاره هند است. «تفهیم القرآن»، مهم‌ترین اثر این اندیشمند اصلاح‌گرا و مبارز، تفسیری عصری - اجتماعی به شمار می‌آید که به زبان‌های مختلفی ترجمه شده است. جایگاه این تفسیر و اندیشه تقریب‌گرایانه صاحب آن، اهمیت بررسی دیدگاه‌های تفسیری مودودی را به‌ویژه درباره آیات فضائل اهل بیت (ع) بیشتر می‌کند. پژوهش حاضر به شیوه توصیف و تحلیل محتوا، به بررسی این دیدگاه‌ها و اختلاف آن‌ها با دیدگاه دیگر مفسران شیعه و اهل سنت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود اندیشه تقریب‌گرایانه مودودی، برخورد وی با آیات فضائل چند گونه است که همگی ناشی از تعصب‌های مذهبی اوست. سکوت در برابر برخی آیات مشهور مورد پذیرش فریقین، تفسیر خلاف دیدگاه مشهور و توجه تکلف‌آمیز برخی دیگر از آیات فضائل مهم‌ترین شیوه‌های مودودی برای گذر از تفسیر این آیات است. این برخوردها نشان می‌دهد، اگر چه مودودی برخی از دیدگاه‌های جزئی سلفی را نقد و رد کرده است، اما در تعامل با آیات فضائل اهل بیت (ع)، همان مسیر سلفی را می‌پیماید.

کلیدواژگان: مودودی، تفهیم القرآن، آیات فضائل، نقد دیدگاه‌های مودودی.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) - mirahmadi_a@khu.ac.ir

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیة رفیعة المصطفی تهران - modaresi114@gmail.com

۱. مقدمه

مفسران فریقین از زمان تدوین دانش تفسیر تا عصر حاضر درباره آیاتی که به صراحت یا به اشاره به فضائل اهل بیت (ع) دلالت دارد، درصدد بیان مصادیق و رفع شبهات برآمده‌اند. در این میان ابوالاعلی مودودی یکی از مفسران معاصر و تأثیرگذار شبه قاره هند در کتاب «تفهیم القرآن» با رویکردی خاص به تفسیر این آیات پرداخته است. این مفسر که از مصلحان اهل سنت و یکی از بیدارگران اسلامی در قرن بیستم محسوب می‌شود، در سال ۱۳۲۱ق مطابق با ۱۲۸۲ش در اورنگ آباد دکن هند در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. نسب او بعد از ۳۸ نسل و از طریق امام هادی ابوالحسن علی النقی (ع) به امام حسین (ع) می‌رسد. تیموری بازگری، (۱۳۸۸، ص ۴۵) او از تحصیلات اسلامی و تحصیلات جدید بهره‌مند و بر عربی مسلط بود؛ بیش از ۸۰ کتاب منتشر کرد. از جمله مهم‌ترین آثار مودودی، تفسیر وی به نام «تفهیم القرآن» در شش جلد است.

تفسیر «تفهیم القرآن»، برای جوانان تحصیل کرده و مردم عادی نگاشته شده است. تلاش مودودی آن است که فهم قرآن را برای مردم آسان‌تر سازد. (نقوی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۲-۱۲۶؛ مودودی، ۱۴۱۱، ج ۱، مقدمه) مفسر آیات را با کمک آیات دیگر و گاه با استفاده از احادیث نبوی و روایات منقول از صحابه و تابعین تفسیر می‌کند. (همان: ج ۶، ص ۱۴۹)

مودودی یکی از پرچمداران نهضت بازگشت به قرآن و جنبش بیداری اسلامی معاصر بود. تفسیر او به فارسی نیز ترجمه شده است و در ایران نوشتارهایی به تمجید و یا تطبیق نظرهای او پرداخته‌اند. این نوشتار نیز در پی استخراج و نقد دیدگاه صاحب تفهیم القرآن درباره آیات فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و بیان تفاوت دیدگاه او با دیگر مفسران شیعه و اهل سنت ذیل آیات ۷ و ۸ سوره انسان، سوره کوثر، آیه ۲۳ شوری، آیه ۶۱ آل عمران و ۲۰۷ بقره است. در این میان، توجه‌های تکلف‌آمیز مودودی و سکوت معنادار او ذیل این آیات نشان از تعصب او دارد. پیش از پرداختن به تفسیر مودودی درباره این آیات، لازم است، واژه «اهل» و «آل»، در کلمه «اهل بیت» و «آل رسول» تبیین شود.

۲. مفهوم «اهل» در کلمه «اهل بیت» و «آل» در «آل رسول»

۲.۱. مفهوم شناسی واژه «اهل»

از نظر لغت‌شناسان، اهل یک فرد، بستگان، خویشاوندان و مخصوص‌ترین افراد به اوست؛ چنان‌که ابن منظور، اهل مرد را فامیل و خانواده او و مخصوص‌ترین مردمان به او تعریف می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۸-۲۹) هم‌چنین اهل هر شخصی آل و پیروان او هستند؛ سپس بر اثر استعمال زیاد، اهل و آل، اهل بیت شخص نیز اهل و آل او نامیده شدند؛ زیرا بیش‌ترین کسانی که از انسان تبعیت می‌کنند، خانواده او هستند. اهل هر پیامبری، امت اوست؛ چنان‌که طریحی می‌نویسد: «أهل الرجل: آله و هم أشیاعه و أتباعه و أهل ملته. ثم كثر استعمال الأهل و الآل حتی سمي بهما أهل بیت الرجل لأنهم أكثر من يتبعه و أهل كل نبی: أمته». (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۱۴)

۲.۲. مفهوم شناسی واژه «آل»

واژه‌شناسان بر این باورند که «آل» مقلوب «اهل» است و تنها به اسامی شخصی، آن هم اشرف و افضل آن، اضافه می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۸). از نظر طریحی، آل پیامبر کسانی هستند که به او برگشت می‌کنند؛ چه کسانی که از لحاظ جسمانی به او مربوط می‌شوند؛ مانند اولاد ایشان و خویشاوندانی که صدقه در شریعت اسلام بر آنها حرام است و هم‌چنین کسانی که از لحاظ معنوی به پیامبر بازگشت می‌کنند؛ مانند علمای راسخ و اولیا خدا. بدیهی است که نسبت دومی مهم‌تر از نسبت اول است. هنگامی که این دو نسبت جمع گردد، نور بر نور خواهد بود؛ مانند ائمه اطهار علیهم السلام. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۱۴-۳۱۳)

فخر رازی بر این باور است که آل محمد (ص) کسانی هستند که برگشت امرشان به او است؛ پس کسانی که ارتباطشان محکم‌تر و کامل‌تر باشد، «آل» محسوب می‌شوند و شک نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین محکم‌ترین پیوند را با رسول خدا داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است؛ بنابراین لازم است، آنها را «آل پیامبر» بدانیم. این

چهار نفر خویشاوندان رسول خدا هستند و وقتی این معنا ثابت شد، واجب می‌شود که این چهار نفر را مخصوص به مزیت و عظمت بدانیم. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۹۵) به نظر می‌رسد، کلمه اهل بیت از نظر توسعه دارای مراتبی است. هر قدر اختصاص و صلاحیت بیش‌تر باشد، عنوان اهل بودن قوی‌تر می‌شود و کسی که تعلق و خصوصیتش با شخص منتفی شود، اهل بودنش نیز منتفی خواهد شد. هم‌چنان که پسر حضرت نوح به دلیل عدم صلاحیت از اهل آن حضرت خارج (هود/۲۶) و سلمان فارسی بنا به روایتی به اهل بیت ملحق می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵، ص ۱۲)

از نظر مودودی، اصطلاح «اهل بیت» شامل همه افراد خانواده پیامبر (ص) می‌شود. او هفت حدیث در چگونگی درود بر پیامبر (ص) نقل می‌کند که در شش حدیث عبارت «و علی آل محمد» آمده است. او لفظ «آل» را در درود بر پیامبر مختص به افراد خانواده پیامبر نمی‌داند؛ بلکه شامل همه پیروان آن حضرت می‌شمارد. به نظر او، تفاوت میان آل و اهل این است که کلمه آل همه پیروان را شامل می‌شود؛ چه آنها که با او خویشاوندی داشته باشند، یا نه؛ در حالی که لفظ اهل درباره خویشاوندان گفته می‌شود؛ چه پیرو باشند یا نه. در قرآن ۱۴ بار کلمه «آل فرعون» به کار رفته و در یک مورد نیز از آن علاوه بر خانواده فرعون، پیروان او قصد شده است. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۰۷)

۳. نقد دیدگاه مودودی در زمینه آیات فضائل اهل بیت (ع)

۳. ۱. آیه ۷ و ۸ سوره انسان

مودودی پیش از تفسیر آیات «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَبَيْمَاتٍ وَأَسِيرًا» (انسان/۷-۸)، درباره مکی و یا مدنی بودن سوره سه قول را مطرح می‌کند و خود مکی بودن این سوره را می‌پذیرد:

اول، دیدگاه مفسرانی مانند زمخشری، فخر رازی، قاضی بیضاوی، نظام الدین نیشابوری،

ابن کثیر و آلوسی که به مکی بودن سوره قائل‌اند.

دوم، دیدگاه افرادی که سوره را مدنی می‌دانند.

سوم، دیدگاه افرادی که معتقدند، تمام سوره به جز آیات ۸ تا ۱۰ در مکه نازل شده است.

به باور او این سوره با مضامین سوره‌های مدنی تفاوت بسیاری دارد. آیات ۸ تا ۱۰ چنان با آیات قبل و بعد پیوند خورده است که از اسلوب و سابقه کلام بر نمی‌آید که آیات قبل و بعد ۱۵ و یا ۱۶ سال قبل نازل شده و بعد از مدت زمان طولانی این سه آیه در مکان فعلی ثبت شده باشد. وی در رد مدنی بودن سوره و یا آیتی از سوره می‌نویسد، این سوره در دوران مکه نازل شده و ذهنیت مدنی بودن همه سوره و یا چند آیه آن فقط از یک روایت از ابن عباس ناشی شده است که حاکی از وفای به نذر حضرت علی (ع) و اهل خانه ایشان و اطعام به مسکین و فقیر و اسیر است.

به نظر مودودی این روایت از جهت مدرک و سند ضعیف و از حیث درایت شگفت‌آور است که مسکین و یتیم و اسیری به ترتیب در سه شب پایی، مطالبه طعام کنند و صاحبان خانه همه طعام خود را به آنها بدهند. آنها می‌توانستند، غذای یک شخص را به او بدهند و پنج نفری به غذای چهار تن اکتفا کنند. به عقیده ایشان باور کردن این مطلب مشکل است که دو پسر که تازه از بیماری بهبود یافته سه روز و سه شب گرسنه و ناتوان افتاده باشند و اشخاص با فراست و فهمیده بر تمام ابعاد دین همانند حضرت علی و حضرت فاطمه (علیهما السلام) این کار را نیکو بشمارند. افزون بر این، در زمان دولت اسلامی در مدینه ممکن نبود، اسیری تکدی کند.

به باور او اگر همه دلایل عقلی و نقلی را نادیده بگیریم و این حکایت را صحیح بدانیم، حداکثر برمی‌آید که هرگاه عمل نیکویی از آل محمد (ص) صادر شد، حضرت جبرئیل به پیامبر مژده می‌دهد که این فعل مقبول گردیده است؛ زیرا آنها به همان عمل پسندیده‌ای را که خداوند در سوره انسان که در سال‌های گذشته نازل شده، عمل کرده است و لازم نیست، این آیات در همان زمان انجام فعل، نازل شده باشد. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۱۶۰-۱۶۱)

درحقیقت این آیات به یک صورت خاص و نیکو از عمل صالح مثال زده شده که مقصود از آن، کمک به مستمندان است. (همان، ص ۱۷۷)

مفسر تفهیم القرآن از تفاوت مضامین این سوره با سوره‌های مدنی سخن رانده است. در پاسخ به مودودی و برخی مفسرین که به استناد ذکر نعمت‌های بهشتی، عذاب‌های غلیظ قیامت و امر به صبر رسول خدا (ص) و نهی از اطاعت آثم و کفور و مداهنه با آنان، سوره را مکئی می‌دانند، می‌توان گفت که سوره الرحمن و حج، مدنی و مشتمل بر ذکر نعمت‌های حسنی و عذاب‌های غلیظ هستند. امر به صبر، اختصاص به سوره‌های مکئی ندارد و در آیه ۲۸ سوره کهف که مدنی است، نیز آمده است و احتمال آن که فصل دوم سوره، از آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» تا آخر سوره، در مکه نازل شده باشد، وجود دارد. قرآن کریم در آیاتی مدنی نیز «آثم» را برای جمعی از مسلمانان اثبات کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۱۶-۲۱۸)

هم‌چنین با تکیه بر روایات فریقین و با توجه به کلمه «اسیر» که بعد از هجرت رسول خدا(ص) و قوت یافتن اسلام، اتفاق افتاده است، قول به مدنی بودن این سوره یا قسمتی از سوره تقویت می‌شود. (نک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۹۲-۲۰۳) قرآن در مقام تعریف، یک قضیه‌ای است که اتفاق افتاده است و کسانی از جمله اسیر به دست آن ابرار، اطعام شده‌اند. سیوطی از ابن عباس روایت کرده است که سوره انسان در مدینه نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۹۷) به نظر حافظ حسکانی، بیشتر مفسران عقیده دارند، این سوره در مدینه نازل شده است و برای اثبات مدعای خود به نصوص فراوانی استناد می‌کند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۰-۴۱۵) در کتب تفسیری اهل سنت نیز روایات فراوانی نقل شده که این آیات در خصوص علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۹۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۹۴-۳۹۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۷۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۷۴۷) آنها مسکین، یتیم و اسیر را بر خود مقدم داشتند و این سوره در مورد آنان نازل کرد. (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۷۰؛ عنایه، ۱۴۱۱، ص ۴۰۲) شعرای

مسلمان عرب نیز در اشعار خود به این مطلب اشاره کرده اند؛ چنان که از حمیری نقل شده است:

وَمَنْ أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ فِيهِمْ «هَلْ أَتَى»
لَمَّا تَحَدَّوْا لِلنُّدُورِ وَفَاءً
مِنْ خَمْسَةِ جَبْرِيلَ سَادِسُهُمْ وَقَدْ
مَدَّ النَّبِيُّ عَلَى الْجَمِيعِ عَبَاءً
مَنْ ذَا بِخَاتَمِهِ تَصَدَّقَ رَاكِعاً فَأَتَابَهُ
ذُو الْعَرْشِ مِنْهُ وَلَاءً

در کتاب «تَبَصُّرَةُ الْمُتَبَدِّي» نیز چنین آمده است:

أَهْوَى عَلَيَّ وَ إِيْمَانِي مَحَبَّتُهُ
كَمْ مُشْرِكٍ دَمُهُ مِنْ سَيْفِهِ وَكَفَا
إِنْ كُنْتُ وَ يَحْكُ لَمْ تَسْمَعْ فَضَائِلُهُ
فَأَسْمَعُ مَنَاقِبَهُ مِنْ «هَلْ أَتَى» وَ كَفَا

(حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۱۴)

به نظر می‌رسد، بسیاری از مفسران اصل روایت را پذیرفته اند و اختلاف آنان در کیفیت این حادثه است. اشکال مودودی به ضعف سندی و متنی روایت این عباس وارد نیست؛ چون این روایات کثرت طرق دارد؛ به علاوه در روایاتی از انفاق در سه روز و نذر و روزه اطفال سخن به میان نیامده است. (نک: قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۹؛ عبداللهی عابد، ۱۳۸۷، ص ۹۱-۱۰۶)

۳. ۲. سوره کوثر

به نظر مودودی و برخی مفسران دیگر در مکی و مدنی بودن سوره کوثر روایات مختلفی وجود دارد و مکی بودن این سوره صحیح‌تر است. آلوسی به امکان دو نزول، در مکه و مدینه، قائل است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۴۷۸)

مفسر تفهیم القرآن که مقصود از نزول دوم را توجه مجدد رسول الله (ص) به آن آیه می‌داند و معنای لفظ «کوثر» به نظر او عبارت است از: فراوانی، کثرت خیر و برکت و انواع نعمت‌ها از جمله نعمت نبوت، قرآن، علم و حکمت، نعمت توحید، نعمت رفع ذکر، فرزندان روحانی و اولاد صبیبه محترم ایشان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) که تا قیامت نام گرامی حضرت را در جهان گسترش داده است. او با استناد روایات، کوثر را عبارت می‌داند

از: حوضی در قیامت در میدان حشر و یا نهر کوثر که در بهشت به پیامبر (ص) عطاء خواهد شد. او در بیان عطای کوثر به پیامبر خوبی‌های اخلاقی، نعمت‌های فراوان نبوت، قرآن، علم و حکمت، نعمت توحید و شهرت نام پیامبر را برمی‌شمارد.

وی می‌نویسد، هنگامی که پیامبر به رسالت مأمور شد، قریش می‌گفتند: «بتر محمد منا؛ محمد از قومش بریده شد؛ چنان‌که درخت از ریشه‌اش». عاص بن وائل سهمی نیز حضرت را ابتر می‌خواند؛ یعنی بی‌اساس و بی‌ریشه که اولاد مذکر ندارد. زمانی که پسر دوم حضرت از دنیا رفت، ابولهب به قریش گفت: «بتر محمد اللیلة؛ امشب محمد بی‌فرزند شد و ریشه‌اش کنده شد». آیه قرآن در مقابل ابتر خواندن پیامبر، دوام نسلش را پیشگویی کرد. امروز افراد بسیاری به نسب و خانواده یا صحابه آن حضرت انتساب دارند، مثل سید علوی، سید عباسی و سید هاشمی و آن را مایه عزت و شرف خود می‌دانند. خداوند از یک دختر ایشان حضرت فاطمه (رضی الله عنها) که از اولاد جسمانی آن حضرت بود، اولادی عطا فرمود که در سراسر جهان گسترش یافت و مایه افتخار پیامبر اکرم (ص) اند. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۲۰-۵۲۶)

اگر چه کوثر از نظر لغوی به معنای نهری در بهشت و یا خیر کثیر است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۰۳) اما سوره کوثر، در پاسخ به شماتت‌کنندگان پیامبر (ص) به دلیل نداشتن فرزند ذکور نازل شده است؛ به علاوه، «الکوثر» با «الابتر» که قطع نسل و ریشه را افاده می‌کند، تقابل دارد (همان، ص ۱۰۷). این‌ها حاکی‌اند که مراد از «کوثر»، همان عامل بقای نسل و ذریه رسول خدا (ص) است که مصداق آن حضرت فاطمه زهرا (س) است. با این اعتبار امام حسن و حسین علیهما السلام نیز فرزندان رسول خدا (ص) به شمار می‌آیند؛ زیرا در غیر این صورت با وجود فاطمه زهرا (س) باز رسول خدا (ص) موصوف به «ابتر» خواهد شد؛ چنان‌که این استدلال را علی (ع) در پاسخ به نامه عمرو بن عاص استفاده کرده است. ابن ابی‌الحدید در این خصوص نوشته است: «عمرو بن عاص نامه‌ای به امیرالمؤمنین فرستاد که در آن مواردی را بر آن حضرت عیب گرفته بود. از جمله آن که امام (ع) حسن و

حسین را دو فرزند رسول خدا (ص) می‌داند. پس امام به پیک عمرو بن عاص گفت: به شانی بن شانی بگو: اگر حسن و حسین فرزندان رسول خدا (ص) نبودند، در این صورت پیامبر (ص) ابتر بود. در حالی که خداوند ابتر بودن را از پیامبر (ص) نفی کرده و به دشمن او نسبت داده است؛ همان‌گونه که پدرت گمان می‌برد». (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۳۴؛ معارف، ص ۱۳۸۷)

از مفسران اهل سنت، فخر رازی ضمن برشماری اقوال مختلف در باره کوثر در سومین قول کوثر را به معنای اولاد گرفته است و به نقل از برخی می‌گوید، این سوره در مقام تخطئه کسی نازل گردید که آن حضرت را به جهت نداشتن فرزندان مورد سرزنش قرار داد. خداوند نسلی به پیامبر (ص) عطا فرماید که در طول قرون و اعصار پایدار خواهد بود. چقدر از اهل بیت کشته و شهید شدند؛ اما باز جهان از آنان مالا مال است؛ در صورتی که از بنی‌امیه احدی که قابل توجه باشد، باقی نماند و در میان اهل بیت (ع) بزرگانی مانند حضرات باقر، صادق، کاظم، نفس زکیه و امثال آنان ظهور نمودند». (فخر رازی، ۱۴۱۳، ج ۳۲، ص ۳۱۳)

از نظر علامه طباطبایی با در نظر گرفتن قصر قلب، منظور از «کوثر»، کثرت ذریه یا خیر کثیر و کثرت ذریه است. کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است و اگر مراد از «کوثر»، کثرت ذریه به استقلال و یا به طور ضمنی نبود، آوردن «إِنَّ» به معنی تحقیق و تعلیل در جمله «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» فایده‌ای نداشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۳۹-۶۴۰) بنابراین تأکید خداوند بر ابتر بودن دشمنان پیامبر (ص) در پی تأکید بر اعطاء کوثر یعنی کثرت ذریه است.

۳.۳. آیه تطهیر

مودودی «اهل بیت» را در آیه «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) به دلالت سیاق و استعمالات قرآنی، شامل همه افراد خانواده می‌داند، زیرا خطاب با «یا نساء النبی» شروع شده و در قبل و بعد آن نیز به زنان پیامبر (ص) خطاب شده است. کلمه خانواده هیچ‌گاه با استثنای زن به کار برده نمی‌شود و اولاد از نظر

مفهوم لفظ داخل آن است. در آیه ۷۳ سوره هود و آیه ۱۲ قصص نیز کلمه «اهل بیت» به کار رفته و مفهوم زن در آن مقدم است.

او برای تأیید سخن خود روایتی از عایشه (رض) نقل می‌کند که در آن پیامبر (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را خواند و زیر چادری پوشاند و دعا کرد: «اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً». به نظر مفسر تفهیم القرآن این روایت دلالت بر خروج همسران از عبارت اهل بیت ندارد؛ زیرا چیزی که از نظر قرآن ثابت است، با حدیث نمی‌توان آن را رد کرد؛ بلکه منظور از روایت این است که همسران قطعاً داخل هستند؛ اما پیامبر بیمناک بود، مبدا کسی از ظاهر قرآن دچار سوء تفاهم شود که اینان - علی، فاطمه، حسن و حسین (رضی الله عنهم) - از اهل بیت خارج‌اند؛ لذا تصریح بر آن را لازم دانست. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۱۷-۱۱۹)

بنابر تفسیر مودودی، گروهی مرتکب ستم شده‌اند و این واژه را به (حضرت) علی و (حضرت) فاطمه (سلام الله علیهما) و فرزندان آنها اختصاص داده و ستمی دیگر این که عصمت آنان را نتیجه گرفته‌اند. به نظر آنان، «رجس» به معنای خطا و گناه است و بر اساس این آیه، اهل بیت را از آن پاک گردانیده؛ در حالی که منظور آیه این است که اگر رفتار شایسته در پیش گیرید، از نعمت پاکیزگی بهره‌مند خواهید شد. قبل و بعد آیه نیز بر مناقب اهل بیت دلالتی ندارد. به فرض اگر از این آیه معصوم بودن آنها نتیجه‌گیری شود، چرا نباید همه مسلمانانی را که وضو و غسل و تیمم انجام می‌دهند، بنا بر آیه «يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَ لِيُتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» (مائده/۶) معصوم پذیرفت؟ (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۲۰)

برخی از مفسران مانند فخر رازی بر آن‌اند که پنج تن و همسران پیامبر (ص) مشمول این آیه هستند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵، ج ۱۶۸) اما بیش از هفتاد حدیث، که اهل سنت، از ام سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، وائله بن الاسقع، ابی الحمراء، ابن عباس، ثوبان غلام آزاد شده رسول خدا (ص)، عبد الله بن جعفر، علی، و حسن بن علی (ع) که تقریباً از چهل طریق، نقل کرده و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا

(ع)، و از ام سلمه، ابی ذر، ابی لیلی، ابی الاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی، و سعد بن ابی وقاص، بیش از سی طریق نقل کرده است، همگی مؤید اختصاص آیه به پنج تن است و همسران رسول خدا را شامل نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۵ - ۴۶۶)

هم‌چنین ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه همگی از ام سلمه همسر رسول خدا (ص) روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) در خانه او عبایی به روی خود کشیده و خوابیده بود که فاطمه از در وارد شد و ظرفی غذا با خود آورده بود. رسول خدا (ص) فرمود: همسرت و دو پسرانت حسن و حسین را صدا کن! فاطمه برگشت و ایشان را با خود بیاورد. در همان بین که داشتند آن غذا را می‌خوردند، این آیه نازل شد. رسول خدا (ص) زیادی جامه‌ای که داشت بر سر آنان کشید؛ آن‌گاه دست خود را از زیر کسا بیرون آورد، به آسمان بالا برد و عرضه داشت: بار الها اینها اهل بیت من و خاصگان من هستند، پس پلیدی را از ایشان بپر و تطهیرشان کن، و این کلام را سه بار تکرار کرد. ام سلمه می‌گوید: من سر خود را در زیر جامه بردم و عرضه داشتم: یا رسول الله (ص) من هم با شمایم، حضرت دو بار فرمود: تو عاقبت بخیری. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۶)

با دقت در این روایت که مفسران بسیاری آن را با عبارات مختلفی نقل کرده‌اند و به صورت یک خبر متواتر قطعی‌السند و قطعی‌الدلالة شده است، می‌توان دریافت که مراد از «أَهْلَ الْبَيْتِ» و مخاطب آیه تطهیر، پیامبر (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) است. اگر این آیه برای همسران پیامبر (ص) بود و از باب غلبه مذکر بر مؤنث، ضمیر جمع مذکر آورده بود، ام سلمه باید حضور می‌داشت.

در روایت دیگری آمده است که پیامبر هنگام نماز صبح بر درب خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) توقف می‌نمود و می‌فرمود: «الصلاة يا أهل البيت الصلاة إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيراً» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸-۱۹۹)

مقصود رسول خدا (ص) آن بود که همگان متوجه شوند، اهل بیت (ع) در آیه تطهیر جز حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین (علیهم السلام)، مصادیق دیگری ندارد و تنها این گروه هستند که خداوند طهارت قلبی و پاکی آنان را از هرگونه شائبه نفسانی اراده فرموده است.

بنابراین آیه در یک واقعه خاص نازل شده است؛ به دلیل آن که در بین هفتاد روایت، یک روایت نیز آیه را به دنبال آیات مربوط به همسران رسول خدا (ص) نمی‌داند؛ حتی عکرمه و عروه که آیه را مخصوص همسران رسول خدا (ص) می‌دانند، معتقد به نزول آیه در ضمن آیات دیگر نیستند. اگر آیه که جزو آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» است، از آن حذف شود، آیه مزبور با آیه بعد «و اذکرن» کمال اتصال و انسجام را دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۶۶)

علامه طباطبایی ضمن بیان دو انحصار در آیه مراد از انحصار دوم را تطهیر اهل بیت می‌داند. کلمه «انما» انحصار خواست خدا در دور کردن رجس و پلیدی از اهل بیت (علیهم السلام) و دادن عصمت به آنان را می‌رساند. معصوم بودن اهل بیت (علیهم السلام) به اراده تکوینی خداوند با در نظر گرفتن «ال جنس» در کلمه رجس معنایش این می‌شود که خدا می‌خواهد، تمامی انواع پلیدی‌ها، را از نفس شما ببرد. (همان، ص ۴۶۲-۴۶۵)

۳.۴. آیه قُربى

آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/ ۲۳) به لحاظ اشتغال آن بر کلمه «المودة»، آیه «مودت» نامیده می‌شود. برخی از مفسران اهل تسنن آن را از فضایل اهل بیت پیامبر (ص) به شمار آورده و دلالت آن را بر وجوب مودت با اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آشکار می‌دانند. (نک. آلوسی ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۳۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۹-۲۰۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۹۵) برخی نیز وجوه دیگری را در تفسیر آن ذکر کرده‌اند.

مودودی در تفسیر لفظ «قربى» نظرهای مختلف مفسرین را چنین برمی‌شمارد:

نخست، گروهی آن را به معنای قرابت خویشاوندی گرفته‌اند و آیه را این گونه معنا کرده‌اند که «من به خاطر این کار پاداشی از شما نمی‌خواهم، اما می‌خواهم که شما (اهل قریش) حداقل آن خویشاوندی را که میان من و شما است، مراعات کنید».

دوم، گروهی دیگر «قربی» را به معنای قرب و تقرب گرفته‌اند و آیه را این گونه معنا می‌کنند که «من از شما پاداشی غیر از این نمی‌خواهم که در شما میل به نزدیک شدن به خدا به وجود آید».

سوم، گروهی نیز «قربی» را به معنی نزدیکان (خویشاوندان) می‌گیرند و آیه را این گونه معنا می‌کنند که «من از شما به خاطر این کار پاداشی غیر از این نمی‌طلبم که خویشاوندان مرا دوست داشته باشید». بعضی از این گروه همه بنی عبدالمطلب را شامل خویشاوندان می‌دانند و برخی آن را فقط به علی و فاطمه و فرزندان آنها محدود می‌دانند.

مودودی تفسیر قربی به اهل بیت پیامبر (ص) را به سه دلیل قابل پذیرش نمی‌داند:
الف) هنگامی که این سوره در مکه نازل شده بود، ازدواج حضرت علی و فاطمه (علیهما السلام) انجام نگرفته بود و همه بنی عبدالمطلب از پیامبر (ص) حمایت نمی‌کردند.
ب) خویشاوندان پیامبر (ص) فقط بنی عبدالمطلب نبودند. ایشان از طریق مادر و پدر بزرگوارش و همسر محترمش با تمام خانواده‌های قریش خویشاوندی داشت و در بین اینان بهترین اصحاب و بدترین دشمنان بودند.

ج) از آن مقام شامخ در خواست محبت با خویشاوندان بسیار ناپسند است. مخاطب این تقریر کافران‌اند. آنها این کار پیامبر را گناه پنداشته در صدد گرفتن جان او بر آمده بودند.
مفسر تفهیم القرآن با استدلال به آیاتی از قرآن (یونس/۷۲؛ هود/۲۹ و ۵۱؛ شعراء/۱۴۵، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۶۴، ۱۸۰) نتیجه می‌گیرد که پیامبران از قوم پاداشی در خواست نمی‌کردند.
(مودودی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۶۶۳-۶۶۴)

مفسران اهل سنت دیدگاه کاملاً متفاوت با مودودی دارند؛ چنان‌که آلوسی به نقل از جماعتی مراد از آیه را درخواست محبت به اهل بیت و اقربای پیامبر (ص) می‌داند. او از ابن جریر نقل می‌کند که علی بن حسین (علیه السلام) در هنگام اسیری به شام در مقام استدلال بر فرزند رسول خدا بودن خود، به این آیه استشهاد کرد. (همان، ص ۳۲) هم‌چنین از ابن عباس نقل می‌کند: زمانی که «قل لا اسالکم علیہ اجرا الا المودة فی القربی» نازل شد، گفتند: ای

رسول خدا، قرابت «خویشان نزدیک» تو، که مودت آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و پسرانشان. (آلوسی ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۳۱)

ابوالقاسم حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل روایاتی را ذیل این آیه گرد آورده است که در پنج حدیث به نام‌های «علی و فاطمه و حسن و حسین» علیهما السلام تصریح شده است. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۹-۲۰۱)

از این روایات به خوبی نمایان است که برای مسلمانان آن زمان معلوم بوده، مقصود از «القربی» در این آیه خویشان نزدیک نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) است و سؤال آنان از تعیین افراد آن بوده است. از این که حضرت در پاسخ سؤال آنان فقط همان چهار بزرگوار را نام می‌برد، معلوم می‌شود که در آن زمان خصوص آن چهار نفر مراد بوده‌اند. (نک. بابایی، ص ۱۳۸۰)

هم‌چنین اخبار متواتری از دو طائفه بر وجوب مودت اهل بیت و محبت آن حضرات نقل شده است؛ چنان‌که زمخشری در تفسیر خود آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، شهید است. هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، توبه کننده است. هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، با ایمان کامل از دنیا رفته است. هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، طبق سنت و سیره پیامبر از دنیا رفته است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۰-۲۲۱)

فخر رازی نیز به نقل از زمخشری حدیثی آورده است که در آن از مراد خداوند در این آیه و وجوب مودت اقربای سؤال شد، پیامبر (ص) فرمود، اینان علی و فاطمه و دو پسر ایشان هستند؛ سپس مفسر بر لزوم تعظیم بیش‌تر این افراد دلایلی اقامه می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۹۵)

با دقت در روایاتی مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه و مانند آن که مردم را در فهم کتاب خدا به اهل بیت (ع) ارجاع داده است، در می‌یابیم منظور از وجوب مودت اهل بیت و آن را اجر رسالت قرار دادن تنها این بوده است که اهل بیت مرجع علمی مردم قرار گیرند و این

چیزی غیر از رسالت، دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست. مفاد آیه نیز تغایری با آیاتی که اجر رسالت را نفی می‌کنند، ندارد.

بنابراین مودت اهل بیت ادعای اجر خوانده شده و نفع اجر درخواست شده، به خود بشر می‌گردد. به فرض که چنین سفارشی مناسب به شأن نبوت نباشد، باید همین ناسازگاری در سایر خطاب‌های مشابه این خطاب جریان یابد. خدای تعالی در آیه بعد، یعنی «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَإِنْ يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَيَّ قَلْبًا» (شوری/ ۲۴) متعرض این تهمت شده و آن را دفع کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۶-۶۸) بنابراین، پیامبر (ص) نمی‌تواند به خاطر علاقه فامیلی خویشاوندان خود را هدایت یا به خاطر دشمنی و کراهتی که از دیگران دارد، از هدایت آنها روی بگرداند. (همان، ج ۱۸، ص ۶۲-۶۳) خدای تعالی اجری برای رسول خدا (ص) معین کرده و آن مودت نسبت به نزدیکان آن حضرت است. این مودت امری است که به استجاب دعوت برگشت می‌کند. حال یا استجاب همه دعوت یا بعضی از آن که اهمیت بیش‌تری دارد. (همان، ص ۶۰-۶۲)

در حقیقت انبیا پاداش مادی نمی‌خواستند؛ ولی اطاعت کردن و هدایت شدن مردم را می‌خواستند؛ زیرا همه آنان پس از آن که در سوره شعراء درخواست مزد را منتفی دانستند، به مردم سفارش تقوا و اطاعت از خداوند می‌کردند. پیامبر اسلام نیز از مردم درخواست مزد مادی نداشت؛ ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قُلْ» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند؛ چنان که می‌فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (سبأ/ ۴۷) مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است: یک بار می‌فرماید: «من هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز آن که هر که خواست، راه خدا را انتخاب کند: «إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (فرقان/ ۵۷) و یک بار می‌فرماید: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ بنابراین مزد رسالت دو چیز است: یکی انتخاب راه خدا و دیگری مودت قریبی. در هر دو تعبیر کلمه «إِلَّا» مطرح شده است؛ یعنی مزد من تنها همین مورد است. باید این دو درخواست یکی باشد. یعنی راه خدا همان مودت قریبی باشد. (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۹۴-۳۹۳)

اگر «قربی» به معنای تقرّب نسبت به خدا از راه عبادت منظور بود، باید آن را مقید می‌کرد و می‌فرمود: شما که با پرستش بت‌ها می‌خواهید، به خدا تقرّب جوید، راه توّد و تقرّب این نیست؛ بلکه تنها خدا را پرستید و من از شما جز این را توقع ندارم. در چنین مقامی مهمل گذاشتن این قید با ذوق سلیم سازگار نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۳) در کلام خدای سبحان هیچ گاه کلمه «مودت» بر توّد مردم نسبت به خدای تعالی و تقرّب به او اطلاق نشده، هر چند که خدا را نسبت به بندگان دارای مودت خوانده است.

۳.۵. آیه مباهله

بر اساس دیدگاه مفسّر تفهیم القرآن ذیل آیه «... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ...» (آل عمران/۶۱) تعداد زیادی از اعضای هیئت نجران به نبوت حضرت معتقد و عده‌ای نیز متزلزل بودند و بعد از پیشنهاد مباهله هیچ یک از اعضای هیئت به این کار حاضر نشد. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۷۰) بنابراین مودودی به حضور پیامبر و همراهانش هیچ اشاره‌ای نکرده است.

برخلاف رویکرد جانبدارانه و سکوت مودودی، روایات و تاریخ مؤید حضور پیامبر(ص) و اهل بیت آن حضرت است؛ چنان‌که به باور آلوسی، هیچ مؤمنی در دلالت آیه بر فضل خاندان پیامبر(ص) تردید نمی‌کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۸۱) زمخشری نیز آیه مباهله را قوی‌ترین دلیل بر فضیلت اصحاب کساء می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۰) بسیاری از مفسران مذهب اهل سنت مانند محمد بن جریر طبری (ت ۳۱۰ق) و نصر بن محمد سمرقندی (ت ۳۷۵ق) جریان مباهله را با عبارات گوناگونی تعریف کرده‌اند: «پیامبر اسلام(ص) جهت مباهله با مسیحیان نجران، همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) آمد و آماده مباهله شد؛ ولی آنها با پیامبر مصالحه کردند و راضی به پرداخت جزیه شدند». (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۱۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۲۰)

فخر رازی نیز پس از بیان جریان مباهله می‌افزاید: روایت شده است که پیامبر اسلام(ص) با یک عبای پشمی سیاه رنگ از منزل خارج شد. حسن(ع) آمد و آن را داخل

عبای خود کرد و سپس حسین (ع) آمد و او را نیز در زیر عبای خود قرار داد؛ سپس علی و فاطمه (ع) آمدند و سپس آن حضرت (ص) فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛ خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد». مفسر در درستی روایت آمدن پیامبر (ص) همراه علی و حسن و حسین و فاطمه (سلام الله علیهم) برای مباحثه بین اهل تفسیر و حدیث، ادعای اتفاق نظر می‌کند و روایتی را می‌آورد که پیامبر (ص) بعد از اجتماع آن افراد، یعنی (اهل بیت، آیه تطهیر را تلاوت کرد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۴۷)

ابن کثیر دمشقی (ت ۷۷۴ق) نیز بعد از بیان آمدن پیامبر (ص) به همراه حضرت علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) از قول جابر مراد از «أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» را رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) و علی بن ابی طالب و «أَبْنَاؤُنَا» را حسن و حسین و «نِسَاءُنَا» را فاطمه تفسیر می‌کند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۷) عبدالله بن عمر بیضاوی (ت ۷۹۱ق) نیز در تفسیر خود ضمن بیان آن که پیامبر اسلام (ص) برای مباحثه با مسیحیان نجران، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را همراه خود آورد و به آنها فرمود: هنگامی که من دعا کردم، شما آمین بگویید. او این حادثه و روایت را دلیلی بر برتری و فضیلت اهل بیت آن حضرت می‌داند که همراه او [به مباحثه] آمده بودند. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۱)

بنابراین آیه شریفه از اهل بیت تعبیر به «انفس»، «نساء» و «ابناء» کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۳) دعویش قائم به خودش و چند نفر یعنی دو فرزند و یک زن و یک مرد بود؛ نه این که این چند نفر نمونه‌ای از همه پیروان مؤمنش باشند. (همان، ج ۳، ص ۳۵۷) نتیجه آن که این آیه دارد بر فضیلت علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) که برترین و با فضیلت‌ترین اشخاص نزد پیامبر اسلام (ص) محسوب می‌شوند.

۳. ۶. آیه اشتراء النفس

مودودی آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» (بقره/ ۲۰۷) را تفسیر نکرده و در ترجمه به عبارت «کسی که در راه جستن خشنودی خدا جان خود را از دست می‌

دهد»، اکتفا کرده است. (مودودی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۶۴) به باور او، ابوجهل به قریش پیشنهاد کشتن پیامبر (ص) توسط گروهی به نمایندگی از همه قبایل را داد. قبل از آنکه دسیسه شوم گروه قاتلان عملی شود، رسول الله (ص) از محل خارج شد و دسیسه نقش بر آب گردید. (همان، ج ۲، ص ۲۰۹)

بر خلاف رویکرد مودودی که هدفمند از فداکاری امام علی (ع) عبور کرده است، مفسران فریقین به این ماجرا توجه ویژه کرده‌اند. بسیاری از مفسران بزرگ از شیعه و اهل سنت سبب نزول آیه مذکور را در شأن علی (ع) در لیلۃ المبیت ذکر کرده‌اند؛ چنان‌که حسکانی و فخر رازی به نزول آیه در شأن حضرت اشاره کرده‌اند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۲۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۵۰)

مفسر المیزان عبارت مذکور را گویای وجود مردی در آن روز می‌داند که جز به پروردگار خود نمی‌بالید و جز به دست آوردن رضای خدای تعالی هیچ هدفی را دنبال نمی‌کرد و رفتارش امر دین و دنیا را اصلاح می‌کرد. علامه طباطبایی از عبارت «وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» وجود چنین فردی در میان انسان‌ها را رأفتی از خدای سبحان به بندگان می‌شمارد که اگر وجود نداشتند، ارکان دین منهدم می‌شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۷)

صاحب تفسیر البرهان نیز با نقل روایتی از امالی شیخ صدوق، مورد نزول این جمله را حضرت علی (ع) می‌داند که شب هجرت در بستر رسول خدا (ص) خوابید. روایات بسیاری از طریق شیعه و سنی بر نزول این آیه درباره شب فراش آمده که تفسیر البرهان پنج طریق آن را از ثعلبی و دیگران نقل کرده است. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۴۲)

۴. نتایج

با آن که مودودی برای حضرات معصومین (ع) احترام قایل است و گاه در تفسیر خود از آنان روایتی نقل می‌کند، اما در تفسیر آیات ناظر بر جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) از بیان آشکارترین فضائل نیز خودداری کرده است و می‌توان نشانه‌هایی از تعصب را مشاهده کرد. او روایت ابن عباس ذیل آیه ۷ و ۸ سوره انسان را که بسیاری از مفسران اهل سنت آن را نقل

کرده و وفای به نذر اهل بیت پیامبر (ص) را شأن نزول آیه دانسته‌اند، ضعیف و دور از درایت می‌شمارد. درباره آیه تطهیر نیز علیرغم کثرت روایات معتبر درباره اختصاص آیه به پنج تن آل عبا و حدیث منقول از عایشه و ام سلمه که دلالت آیه بر پنج تن را تصریح می‌کند، مودودی اصرار دارد تا ثابت کند همسران آن حضرت نیز مشمول «اهل بیت» بودند و این آیه فضیلتی برای اهل بیت پیامبر (ص) به شمار نمی‌آید. او همچنین به جانبازی حضرت علی (ع) در راه دین خدا و احادیثی که در آنها مراد از «القربی» مشخص شده و محبت به آنان مورد تأکید پیامبر (ص) قرار گرفته، اشاره نکرده است. مفسر تفهیم القرآن برخلاف بسیاری از مفسران اهل سنت که آیه مباحله را دلیل روشنی بر فضیلت و برتری اهل بیت (ع) معرفی نموده‌اند، آیه را تفسیر نکرده است.

۵. منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، قم: مکتبة آية الله مرعشی، ۱۳۷۸.
۳. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
۶. بابایی، علی اکبر، «پژوهشی در آیه مؤدت»، ماهنامه معرفت، شماره ۴۸، ۱۳۸۰.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۹. تیموری بازگری، مهدی، نقد و بررسی اندیشه های سید ابوالاعلی مودودی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۸.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۱۳. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶.

۱۴. حسکانی، عیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۱.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه جمعی از مترجمان، تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲.
۱۸. طریحی فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۹. عبداللہی عابد، صمد، «بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت (علیہم السلام) در سوره انسان»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴۹ و ۵۰، ۱۳۸۷.
۲۰. عنایه، غازی حسین، أسباب النزول القرآنی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱.
۲۱. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
۲۲. قرآنتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۸.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۷.
۲۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۵. معارف، مجید، «سیمای حضرت زهرا سلام الله در روایات اهل تسنن»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۹، ۱۳۸۷.
۲۶. مودودی، ابوالاعلی، تفهیم القرآن، ترجمه کلیم الله متین و سید نیاز محمد همدانی و آفتاب اصغر، لاهور: دارالعروبة للدعوة الاسلامیة، ۱۴۱۱.
۲۷. نقوی، علی محمد، تفسیر و مفسران در هند، دهلی نو: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳.
۲۸. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن (واحدی)، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۱.